

نقش شهدای روحانی مدافع حرم در ارتقاء اقتدار و امنیت ملی جمهوری اسلامی
(از مقالات برتر کنگره شهدای روحانی مدافع حرم)

بسم الله الرحمن الرحيم

چکیده

گرچه آیین اسلام بر پایه صلح و دوستی برپا شده؛ ولی موانع راه فراوان است، چون خوی تجاوزگری و سلطه‌طلبی در دسته‌ای از بنی آدم، آنان را به ستیز در برابر پیامبران و اولیای الهی و عدالت‌خواهان وا می‌دارد، و برای زدودن موانع و دفاع از حقیقت، به جنگ علیه متجاوزان نیاز می‌شود، از این‌رو در اسلام جهاد در راه خدا فضیلت مهمّ شمرده شده است.

نمونه جهاد در راه خدا در زمان ما، مبارزه و پیکار قهرمانانه مدافعان حرم در برابر تروریست‌های وهابی وابسته به ایادی استکبار جهانی است.

در کشورهایی چون سوریه و عراق برخی گروه‌های تروریستی به کشتار مردم مسلمان و غیر مسلمان برخاستند و خطر مهم‌تر این‌که می‌خواستند چهره اسلام را نزد دیگر ملت‌ها زشت نشان داده و جهانیان را از اسلام متنفر نمایند؛ ولی جوانان مسلمان، چه شیعه و چه سنی، از سوریه، عراق و کشورهای دیگر از جمله ایران، به میدان‌های نبرد علیه تروریست‌ها شتافته و با مبارزه قهرمانانه خود آنان را به عقب رانده و امنیت را به دو کشور سوریه و عراق بازگردانده، و با این حال مدار امنیت جمهوری اسلامی ایران را نیز ارتقا بخشیدند. در این میان نقش روحانیت فوق العاده و از جایگاه ویژه برخوردار بود، آنان - چه به عنوان تبلیغ و ارشاد رزمندگان و چه به صورت جنگ مسلحانه - در سنگرها در کنار رزمندگان قرار گرفته و دوشادوش آنان جنگیده و در کنار آنان به خون غلتیدند، تا اینکه پیروزی را رقم زدند، درود خدای بزرگ بر همه شهیدان حرم، به ویژه بر روحانیون شهید آنان باد.

واژگان کلیدی: مدافع حرم، مدافعان حرم، شهید، شهدای روحانی، روحانیون، شهدای حرم، عراق، سوریه، ایران، جمهوری اسلامی ایران.

مقدمه

انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی (رضوان‌الله‌تعالی‌علیه) که در چهل سال پیش پدید آمد رخداد بزرگ دینی، سیاسی، اجتماعی در تاریخ قرون اخیر خاورمیانه به شمار می‌آید. این انقلاب به دنبال خود پیشرفت و نفوذ روز افزون اسلام ناب، مذهب تشیع و مکتب اهل بیت علیهم‌السلام را در میان دیگر مذاهب اسلامی در پی داشت، روحیه انقلابی‌گری شیعیان و پیشوای بزرگ آن سبب مطالعه و پژوهشی نو در اسلام و مذهب تشیع و انقلاب اسلامی شد، اگرچه گرایش رسمی مسلمانان به تشیع چندان مشهود نبود؛ ولی روحیه انقلابی و استکبار ستیزی و مبارزه با زمامداران فاسد و ستمگر - که ویژگی مذهب تشیع و انقلاب اسلامی ایران بود - مرز جغرافیایی ایران اسلامی را در نوردیده و در دیگر کشورها به ویژه کشورهای اسلامی بروز و ظهور پیدا کرد.

این موضوع برای استکبار جهانی، صهیونیست‌ها و حکومت‌های وابسته و مرتجع خاورمیانه به ویژه حکومت وهابی عربستان و زمامداران آل سعود و برخی دیگر از کشورهای عربی نگران کننده بود، به این جهت که حکومت‌های خود را متزلزل و خودکامگی خود را در معرض خطر شورش و انقلاب مردم کشور خود

می‌دیدند، از این‌رو آنان دست به کار شدند، نخست تلاش کردند تا با تحریک احساسات بعضی از اقوام و تقویت قومیت‌گرایی در داخل، کشور عزیز ایران را تجزیه نموده و پایگاهی برای بیگانگان پدید آورند؛ ولی توفیق پیدا نکردند، به دنبال آن رژیم بعثی عراق را وا داشتند تا به مرزهای غربی کشور تجاوز نماید؛ ولی در مدت هشت سال با دفاع قهرمانانه مردم ایران و تقدیم ده‌ها هزار شهید توطئه تجاوز نظامی رژیم بعث به شکست انجامید و متجاوز نیز محکوم و مردم ابران در این امتحان نیز پیروز و سرافراز بیرون آمدند و در آخر در پاکستان گروهی از آخوندهای وهابی سلفی حجاز، افغانستان و پاکستان را با کمک‌های مالی تقویت کرده و آموزش دادند تا گروهی از افغانی‌های مهاجر در پاکستان را با مسلک فاسد وهابیت پرورش بدهند؛ حاصل آن طالبان افغانستان بود که در آن کشور به انواع جنایات و تصفیه حساب‌های مذهبی و قومی پرداخته و می‌پردازد.

سرانجام به این نتیجه رسیدند که برای جلوگیری از گسترش روحیه انقلابی در مردم مسلمان منطقه و بازداشتن آنان از ادامه دادن راه انقلاب اسلامی ایران، تروریست‌هایی را پروراندند که در ظاهر با نام اسلام و احیای شریعت، به جان مسلمانان و دیگر مردم منطقه خاورمیانه افتاده و با غالب اسلام‌گرایی به محور ارمان‌های اصیل اسلام، معارف صحیح قرآن کریم و مکتب تشیع پردازند، از این‌رو تروریست‌های داعش و جبهه‌النصره را تشکیل دادند و با کمک‌های مالی و تسلیحاتی به ایجاد شکاف در میان مردم مسلمان پرداختند، خون مردم بی‌گناه را به نام اسلام و شریعت بر زمین می‌ریختند، زنان شیعه و غیر مسلمان را به بردگی می‌گرفتند و جوانان مسلمان اهل سنت را به زور به میدان‌های نبرد برده و با دادن اسلحه آنان را به جنایت علیه مردم وا می‌داشتند، آنان با نام مقدس اسلام جنایات فراوان در دو کشور سوریه و عراق مرتکب شدند.

خطر نه تنها مردم مسلمان منطقه را، بلکه آیین اسلام رحمانی را نیز تهدید می‌کرد، زیرا کسانی که گروه تروریستی داعش و جبهه‌النصره را تشکیل داده بودند هدفشان تحریف اسلام، وارونه و زشت نشان دادن آن در میان ملت‌ها و پیروان ادیان دیگر و بیزار کردن آنان از این دین حنیف و پاک ابراهیمی بود، به گونه‌ای که اگر بر یکی از کشورها تسلط پیدا می‌کردند چون از حمایت استکبار جهانی و رژیم‌های وابسته خاورمیانه برخوردار بودند هم شکست دادن آنان بسیار دشوار می‌شد و هم اسلام را در میان مردم جهان به عنوان یک دین تروریستی، جنایتکار، منفور و زشت معرفی می‌کردند، افزون بر اینکه ناامنی برای جمهوری اسلامی ایران نیز از اهداف آنان و راه‌ورد تلاش کور آنان بود؛ از این‌رو مراجع معظم تقلید در عراق و ایران به ویژه مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه‌ای (مد ظله العالی) در ایران احساس خطر کرده و جوانان را به دفاع از کشورهای اسلامی فرا خواندند، جوانان مسلمان به ویژه شیعیان سلاح در دست گرفته و به میدان‌های نبرد علیه تروریست‌های جنایتکار رهسپار شدند.

روحانیت شیعه که در طول قرن‌ها - به ویژه در طول چهل سال انقلاب اسلامی ایران و زمان هشت سال جنگ تحمیلی رژیم بعث علیه سرزمین ما - صداقت خود را عملاً نشان دادند، این بار نیز پیشاپیش جوانان، دعوت مراجع عظام تقلید را لبیک گفته و به جبهه‌های نبرد شتافتند و همراه با رسالت پیامبر گونه، تبلیغ و ارشاد در میان رزمندگان، خود نیز اسلحه در دست گرفته و با دشمنان به نبرد مسلحانه برخاستند، تا آن‌جا

که گروهی از آنان به خاک و خون غلتیدند و با نثار جان خود اسلام و مسلمانان را یاری رسانده و توطئه شوم و خطرناک دشمنان را از بین بردند.

اینک ما بازماندگان راه، به یاد آنان و به پاس قدردانی از آن عزیزان، قلم در دست گرفته و جملاتی را در تجلیل از مقام شامخ آن شهیدان والا مقام می‌نگاریم.

اصالت صلح و فرعی بودن جهاد

اسلام آیین صلح و دوستی است و برای اصلاح امور انسان‌ها آمده و می‌خواهد تا آنان را از تاریکی‌های نادانی، شرک، کفر و ستم بیرون آورده و به جهان پر از نور، روشنایی، توحید، دانش، معرفت و عدالت داخل نماید، چنان‌که خدای متعال فرمود:

(اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ...) (بقره: ۲۵۷).

یعنی «خدا یار اهل ایمان است که آنان را از تاریکی‌های جهل بیرون آورد و به جهان روشنایی می‌برد...».

در مقابل (...وَالَّذِينَ كَفَرُوا أُولَئِئَا هُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُم مِّنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ) (بقره: ۲۵۷).

یعنی: «و آنان که راه کفر گزیدند یار ایشان شیطان‌ها و دیوهایند که آنان را از جهان نور و روشنایی به تاریکی‌های گمراهی در افکنند، این گروه اهل دوزخ‌اند و در آن همیشه خواهند ماند.».

رساندن جامعه انسانی به نور و معرفت نیازمند صلح و امنیت فراگیر، آرامش و سلامت روانی جامعه است. آن مردمی می‌توانند به معرفت خوب و مطلوب نایل آمده و روشنایی را به درستی درک کنند و از آن بهره ببرند که از التهاب، اضطراب، جنگ و خون‌ریزی به دور بوده و بدون دغدغه روانی کسب نور نمایند، از این‌رو صلح و آرامش اصل نخستین و لازم جامعه انسانی؛ ولی جنگ و نبرد تنها برای موارد ضرورت و ناچاری و یک استثنا شمرده می‌شود، به این خاطر خدای متعال در خطاب خود به پیامبر گرامی اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله) فرمود:

(وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ) (الانفال: ۶۱).

یعنی: «و اگر دشمنان به صلح و مسالمت تمایل داشتند، تو نیز مایل به صلح باش و کار خود به خدا واگذار که خدا شنوا و داناست.».

و در اختلافات داخلی میان مسلمانان سفارش نخستین خدای متعال ایجاد صلح و آشتی است، چنان‌که فرمود:

(وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فَاصْلِحُوا بَيْنَهُمَا...) (الحجرات: ۹).

یعنی: «و اگر دو دسته از مؤمنان با یکدیگر به ستیز و نبرد برخاستند میان آن دو صلح پدید آورید...».

و جنگ را در صورتی تجویز فرمود که تجاوزی پدید آید، چنان‌که فرمود:

(...فَإِنْ بَغَتْ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَى فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّى تَفِيءَ إِلَى أَمْرِ اللَّهِ فَإِنْ فَاءَتْ فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا

بِالْعَدْلِ وَ أَقْسَطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ) (حجرات: ۹).

یعنی: «... و اگر یک قوم (از مسلمانان) بر دیگری ستم کرد با آن طایفه ستم‌گر متجاوز جنگ کنید تا به فرمان خدا باز آید، پس هر گاه به حکم حق برگشت با حفظ عدالت میان آنان صلح پدید آورید و همیشه (با هر دوست و دشمن) به عدالت رفتار کنید که خدا مردم عادل و دادگر را بسیار دوست می‌دارد.»
و نیز فرمود: (... فَمَنْ اعْتَدَى عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَى عَلَيْكُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ) (البقره/ ۱۹۴).

یعنی: «... اگر با شما جنگ کنند شما نیز مقابله به مثل کنید. هر که به ستم بر شما دست دراز کند به میزان ستمی که به شما رسانده است با او جنگ کنید، و از خدا پروا داشته باشید و بدانید که خدا با پرهیزکاران است.»

جنگ‌های پیامبر گرامی اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله) در صدر اسلام غالباً با مشرکان مکه بود که او و یارانش را از شهر بیرون کرده و اموال آنان را تصرف نموده بودند، با این حال آغاز کننده نبردهای آن زمان همان مشرکان بوده‌اند و نیز اگر با برخی از اهل کتاب جنگ کرده بود به خاطر پیمان شکنی آنان و هم‌دست شدنشان با مشرکان متجاوز - به رغم پیمانشان - بوده است و در مقابل با اهل کتاب و مشرکان غیر متجاوز و پایبند به پیمان - مانند مسیحیان نجران - کاری نداشت، چنان‌که در قرآن نیز آمده است:
(لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَ لَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَ تُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ) (ممتحنه/ ۸).

یعنی: «خدا شما را از آنان که با شما در دین جنگ و دشمنی نکرده و شما را از دیارتان بیرون ننمودند باز نمی‌دارد که با آنان نیکی کنید و به عدالت و انصاف رفتار نمایید، که خدا مردم عادل و دادگر را بسیار دوست می‌دارد.»

بر این بنیان پیامبر گرامی اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله) پس از فتح مکه با مشرکان کاری نداشت، آنان برای طواف نیز به مسجد الحرام می‌آمدند، تا اینکه با نازل شدن سوره توبه، علی علیه‌السلام را برای خواندن آیات براءت به مکه فرستاد و اعلام کرد از آن پس مشرکان برای طواف به مسجد الحرام نیایند. (ر.ک: باقریان ساروی/ زیور خلافت/ زمزم هدایت/ ۱۳۹۳ش/ ۸۵۹ - ۸۶۴).

امیر المؤمنین علی علیه‌السلام نیز یکی از سفارشات که به مالک اشتر در هنگام اعزام او به مصر فرمود این بود:

«... و لا تدفعن صلحاً دعاك إليه عدوك و لله فيه رضى، فإن في الصلح دعة لجنودك، و راحة من همومك، و أمناً لبلادك...» (نهج البلاغه/ صبحی الصالح/ ۶۱۲، نامه ۵۳).

یعنی: «... و هرگز صلحی را که دشمنت تو را به آن فرا می‌خواند و رضای خدا در آن باشد، ردّ مکن؛ زیرا صلح، استراحت برای سپاه تو، آرامش از رنج‌هایت و امنیت برای شهرهایت را در پی دارد...».

چنان‌که می‌بینیم علی علیه‌السلام در سه جنگ زمان حکومت خود با ناکثان، قاسطان و مارقان هرگز آغازگر جنگ نبود، بلکه تمام تلاش خود را به کار گرفت تا از طریق گفتگو و فرستادن نامه به سران سه گروه و پند دادن به سپاه دشمن از جنگ و خونریزی جلوگیری کند (ر.ک: باقریان، زیور خلافت/ زمزم هدایت/ ۱۳۹۳ش/ ۹۷۵ - ۱۰۵۶).

با توجه به آنچه گذشت، روشن شد که جنگ و خونریزی و نبرد به موارد اضطرار و ناچاری اختصاص دارد، و برای دفاع و رفع موانع از سر ستم‌دیدگان منحصر است. از جمله موانع راه حق: متجاوزان، سردمداران کفر، شرک و ستم هستند و چون موانع راه حق فراوان است، نبرد و دفاع از حریم ایمان و عدالت در برابر ستمگران و متجاوزان واجب می‌شود، زیرا درست است که فطرت انسان‌ها بر توحید و عدالت سرشته شده است، ولی گروهی از انسان‌ها برای استثمار دیگران با ایمان و عدالت یه ستیز پرداخته و راه تجاوز را در پیش می‌گیرند و آشتی، صلح، برابری و عدالت را بر نمی‌تابند، و خواهان حاکمیت کفر، شرک، ستم و فساد بر جامعه انسانی هستند، چنان که خدای متعال فرمود:

(...وَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِيَاؤُهُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُمْ مِنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ) (بقره: ۲۶۷).

یعنی «... و آنان که راه کفر را بر گزیدند یارشان شیطان‌ها و دیوهایند که آنان را از جهان نور و روشنایی به تاریکی‌های گمراهی در افکنند، این گروه اهل دوزخند و در آن همیشه خواهند بود.»
و نیز فرمود: (وَ اللَّهُ يُرِيدُ أَنْ يَتُوبَ عَلَيْكُمْ وَ يُرِيدُ الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الشَّهَوَاتِ أَنْ تَمِيلُوا مَيْلًا عَظِيمًا) (نساء: ۲۷).

یعنی: «و خدا می‌خواهد بر شما (به رحمت و مغفرت) بازگشت فرماید، و مردم هوسناک پیرو شهوت می‌خواهند که شما (از راه حق و رحمت) دور و منحرف گردید.»

گنج بی رنج فراهم نشود

این اندیشه ساده انگاری است که کسی بگوید ما می‌توانیم بدون مزاحمت دیگران، برای برپا داشتن ایمان، عدالت، آزادی و انسانیت گامی برداریم، چنان که شاعر پارسی زبان سعدی شیرازی سروده است:

نا برده رنج گنج میسر نمی‌شود مزد آن گرفت جان برادر که کار کرد

راز این مطلب این است که در درون و بیرون جامعه همواره افرادی هستند که حقیقت را بر نتافته و با آن به ستیز بر می‌خیزند، دنیاگرایان، زرپرستان، زورمداران قدرت طلب، شهوت‌رانان، خود برترینان متکبر، خرافه گرایان، روشنفکر نمایان، از خدا بی‌خبران در هر زمانی حقیقت را بر نتافته و در برابر آن می‌ایستند، چنان که با بعثت پیامبر گرامی محمد مصطفی (صلی‌الله‌علیه‌وآله) سران شرک و کفر بیکار ننشسته و در برابر آیین حق ایستاده و برای سرکوب حق جویان، همه تلاش خود را به کار گرفتند، تا آنجا که می‌خواستند با توطئه مشترک پیامبر خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) را به قتل برسانند و آن حضرت پسر عموی خود علی علیه‌السلام را در بستر خود خواباند و شبانه زادگاه خود شهر مکه مکرمه را به قصد یثرب [مدینه] ترک کرده و هجرت نمود، در مدینه نیز او را آرام نگذاشته و مدت ده سال جنگ‌های بزرگ ویران‌گر را بر او تحمیل کردند، تا اینکه با یاری خدا و مجاهدت‌های صحابه صادق، به ویژه افرادی مانند علی علیه‌السلام، حمزه سید الشهداء، عبیده بن حارث و جعفر بن ابی طالب، مشرکان در نهایت شکست خورده و مکه معظمه فتح شد و آنان به پذیرش اسلام ناچار شدند.

پس از رحلت پیامبر گرامی اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله)، بدخواهان حکومت اسلامی را از مسیر خود منحرف نموده و به رغم تعیین علی علیه‌السلام از سوی خدا و پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) برای رهبری آینده مسلمانان، اهل بیت علیهم‌السلام را از صحنه سیاست کنار زدند، و قدرت را از آنان گرفتند، به گونه‌ای که نه

تنها رهبری علی علیه‌السلام را نپذیرفتند، بلکه برای اهل بیت علیهم‌السلام حق مشورت نیز قایل نشدند، تا این که پس از قتل خلیفه سوم به وسیله مسلمانان شورشی مصر و مدینه، مردم جویای حقیقت به سوی علی علیه‌السلام هجوم برده و با او برای خلافت بیعت کردند.

در آن هنگام نیز گروهی از مردم عدالت‌گریز، عدالت علوی را بر نتافته و سه جنگ بزرگ داخلی از سوی ناکثان، قاسطان و مارقان علیه امام علی علیه‌السلام به راه انداخته شد، و پس از شهادت او، امام مجتبی علیه‌السلام به خلافت رسید، ولی از یک سوی با توطئه‌های شیطانی حاکمان شام و از سوی دیگر با کارشکنی، نفاق و بی‌مهری اکثریت سپاهیان خود مواجه شد، و در نتیجه امام حسن مجتبی علیه‌السلام بهتر ان دید که با آن مردم نالایق به جنگ ادامه نداده و علی رغم میل باطنی، پیشنهاد صلح معاویه را - با اینکه میدانست هرگز به آن وفا نمی‌کند - بپذیرد.

با به حکومت رسیدن بنی امیه ظلم و بیدادگری به وسیله آنان فزونی گرفت، امام حسن علیه‌السلام با سم کشته شد و امام حسین علیه‌السلام با یاران پاکش در کربلا مظلومانه به شهادت رسیدند و بر سر مسلمانان آمد آنچه که وصف شدنی نیست، از جنایات یزید تا ستم‌گری‌های حجاج بن یوسف ثقفی و سرانجام حکومت عباسیان و ستم‌هایی که با نام ایمان و عدالت بر مسلمانان روا داشتند.

غرض تا اینجا اشاره ای کوتاه به موانع بزرگ فراوان راه مستقیم و ضرورت و ناگزیری جهاد در راه خدا بود، اکنون در می‌آییم که چرا خدای متعال جهاد در راه خدا را خرید و فروش و داد و ستد با خود بر شمرده و فرمود:

(يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ تِجَارَةٍ تُنْجِيكُمْ مِنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ * تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ) (الصف: ۱۰ - ۱۱).

یعنی: «ای اهل ایمان، آیا شما را به تجارتی سودمند که شما را از عذاب دردناک (آخرت) نجات بخشد راهنمایی کنم * به خدا و رسول او ایمان آرید و به مال و جان در راه خدا جهاد کنید، که اگر دانا باشید این کار (از هر تجارت) برای شما بهتر است».

و امیر المؤمنین علی علیه‌السلام فرمود:

«أَمَّا بَعْدُ فَإِنَّ الْجِهَادَ بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ فَتَحَهُ اللَّهُ لِخَاصَّةِ أَوْلِيَائِهِ وَهُوَ لِبَاسُ التَّقْوَىٰ وَ دِرْعُ اللَّهِ الْحَصِينَةُ وَ جَنَّتَهُ الْوَثِيقَةُ فَمَنْ تَرَكَهُ رَغْبَةً عَنْهُ أَلْبَسَهُ اللَّهُ ثَوْبَ الذَّلِّ وَ شَمَلَهُ الْبَلَاءُ وَ دَيْثُ الْبَلَاءِ وَ الْقَمَاءُ وَ ضَرِبَ عَلَىٰ قَلْبِهِ بِالْأَسْدَادِ وَ أَدِيلَ الْحَقِّ مِنْهُ بِتَضْيِيعِ الْجِهَادِ، وَ سِيمَ الْخَسْفِ وَ مَنَعَ النَّصْفِ...» (نهج البلاغه/ صبحی الصالح/ خطبه ۲۷).

یعنی: «پس از حمد و ستایش خدا، راستی چنین است که جهاد در راه خدا دری از درهای بهشت است که خداوند آن را برای بندگان مخصوص خود گشوده است و جهاد لباس تقوی، زره محکم خدا، و سپر اطمینان بخش او است، کسی که با ناخرسندی از آن، آن را ترک کند خدا بر او لباس ذلت و خواری می‌پوشاند و به بلا و گرفتاری دچار شده و کوچک و ذلیل می‌گردد، دل او در پرده گمراهی قرار می‌گیرد و به سبب تباه کردن جهاد، حقیقت از او روی بگرداند، و در رنج دشواری ذبونی فرو افتد، و از عدالت محروم گردد...».

تاریخ نیز نشان داده است که مردم کوفه به سبب گوش نسپردن به دعوت جهاد امام علی علیه السلام چگونه به دست ستمگران بنی امیه گرفتار شدند.

ابن ابی الحدید از ابو الحسن علی بن محمد بن ابو سیف مدائنی در کتاب «الأحداث» نقل کرده است: معاویه پس از عام الجماعه در یک نسخه به کارگزاران خود نوشت: ذمه من از کسی که چیزی در فضیلت ابوتراب و اهل بیت او نقل کند بری است، به دنبال این نامه، خطیبان در هر ناحیه ای و بر روی هر منبری برخاستند و لعن بر علی [علیه السلام] را آغاز کرده و از او اعلام براءت می نمودند و او را دشنام داده و از او عیب می گرفتند و سخت ترین بلا را در آن هنگام اهل کوفه کشیدند و این به خاطر فراوانی شیعه علی [علیه السلام] در آن شهر بود، زیاد بن سمیه را بر آنان گماشت و بصره را به آن ضمیمه کرد و او [زیاد] به جستجوی شیعه می پرداخت، او آنان را می شناخت، چون او در زمان حکومت علی [علیه السلام] از آنان بود، او آنان را در زیر هر سنگ و کلوخی کشت و در آنان ترس پدید آورد و دستها و پاها را برید و بر چشمها میخ فرو کرد و بر شاخه های درخت خرما به صلیب کشید و از سرزمین عراق تبعید کرد، تا آنجا که در میان آنان شخصیت معروفی باقی نماند، معاویه به کارگزاران خود در همه مناطق نوشت: از هیچ یک از شیعه علی و اهل بیت او گواهی نزد قاضی [را نپذیرید و به آنان نوشت: به شیعه عثمان و دوستداران و اهل ولایت او که پیش از شما بوده اند و به کسانی که فضایل و مناقب او را بیان کنند نگاه کنید و به مجالس آنان نزدیک گردید و آنان را به خود نزدیک کنید و به آنان احترام کنید و هر چه را که هر مردی از آنان روایت می کند با نام او و نام پدرش و نام خاندانش برای من بنویسید.

این کار را انجام دادند، تا آنجا که در فضایل و مناقب عثمان حدیث فراوان نقل کردند و این به خاطر صله ها، لباس ها، بخشش ها و قطایعی بود که معاویه برای آنان می فرستاد و در میان عرب و غیر عرب آنان پخش می کرد، پس این اجعل حدیث در فضایل عثمان [در هر شهری فزونی گرفت و در منازل و دنیا به مسابقه پرداختند، هیچ کس نبود که نزد کارگزاری از کارگزاران معاویه بیاید و فضیلت و منقبتی را در باره عثمان نقل کند جز اینکه نام او را می نوشت و او را به خود نزدیک می کرد و واسطه او [نزد معاویه] می شد و به همین روش مدتی را سپری کردند؛ سپس [معاویه] به کارگزاران خود نوشت: حدیث در باره عثمان فراوان و در هر شهر و هر کوی و برزنی منتشر شد، آن گاه که این نامه من به شما رسید مردم را به روایت در فضیلت صحابه و خلیفه های نخستین فرا بخوانید و هیچ خبری را که یکی از مسلمانان آن را در باره ابو تراب روایت می کند رها نکنید جز اینکه نقیض آن را در باره صحابه بیاورید، این کار برای من محبوب تر و موجب چشم روشنی بیشتر است و برای باطل کردن حجت و برهان ابوتراب و شیعه او بهتر و برای آنان از مناقب عثمان و فضل او سخت تر است.

نامه های او برای مردم خوانده شد و اخبار فراوان در مناقب صحابه روایت شد که ساختگی بوده و حقیقت نداشتند... به دنبال آن در یک نسخه به کارگزاران در همه شهرها نوشت: نگاه کنید هر کس را که بینه بر او قیام پیدا کرد که او دوستدار علی و اهل بیت او است نام او را از دیوان محو کنید و بخشش و روزی او را قطع نمایید. به دنبال آن، نامه ای دیگر پیوست کرد که هر کس را به دوست داشتن این قوم [علی (علیه السلام) و اهل بیت او] متهم کرده اید او را به کیفر برسانید و خانه او را خراب کنید و بلایی سخت تر و بیشتر از عراق نبود، به ویژه کوفه، تا آنجا که مردی از شیعه علی [علیه السلام] نزد کسی می رفت که به او اعتماد داشت و به خانه او می رفت و راز خود را با او در میان می گذاشت؛ ولی از خادم و برده او می ترسید و سخن خود را به او نمی گفت، تا اینکه از او با سوگند دادن سخت و محکم پیمان می گرفت تا آن را پنهان نگاه دارد؛ پس احادیث فراوان ساخته شده و تهمت های منتشر شده آشکار گردید و فقیهان، قاضیان و والیان بر آن عمر خود را سپری کردند، تا اینکه این اخبار و احادیث به دست دین دارانی رسید که دروغ و بهتان را روا نمی دانستند و آنها را

پذیرفتند و روایت کردند و می‌پنداشتند آنها احادیث درست است، به گونه‌ای که اگر می‌دانستند باطل هستند آنها را روایت نمی‌کردند و به آنها معتقد نمی‌شدند.

این کار ادامه داشت تا اینکه حسن بن علی [علیه السلام] اوفات کرد و بلا و فتنه فزونی گرفت و هیچ‌کس از این افراد باقی نماند جز اینکه می‌ترسید کشته شود و یا تبعید گردد. (ابن ابی الحدید/ شرح نهج البلاغه ۱۱ / ۴۴ - ۴۶).

انتقاد ناجوانمردانه از مدافعان حرم

تردیدی نیست که خدمتگذاران و کارگزاران جمهوری اسلامی ایران بی‌عیب و نقص نیستند، چون آنان بشر عادی هستند و بشر خالی از اشتباه، لغزش و خطا نیست، از این‌رو قابل انتقاد هستند، چنان‌که مشکلات اقتصادی و معیشتی مردم اجمالاً قابل انکار نیست، بنا براین بلکه اگر انتقاد منصفانه و دقیق و همراه با ارایه راهکار درست کارشناسی شده باشد، ضروری نظام جمهوری اسلامی است و باید لب و آرد کرد و با رعایت مصالح و اولویت‌ها گفتنی‌های پنهان و ناگفته‌ها را گفت و پیشنهاد اصلاح داد، آری چاره‌اندیشیدن لازم است، با دوری از تخریب و تضعیف؛ ولی با نهایت تأسف معدود روشنفکر نمایان و یا نا آگاهانی در این موقعیت حساس دست به قلم شده و در فضاهای مجازی به همه اهداف انقلاب و مصالح کشور و نظام جمهوری اسلامی ایران و مردم آن یورش می‌برند، چیزی را به عنوان انتقاد عنوان می‌کنند که از محسنات نظام ما است، آنان در این باره گاهی این‌گونه انتقاد می‌کنند:

«چرا ما باید در چند کشور نیرو و خدمات ارائه بدهیم؟! طبق کدام اصل دینی و فقهی؟! طبق کدام متون قرآنی و دینی؟! شرکت در جنگ تنها در صورتی مورد قبول اسلام است که دشمنان خارجی به حد و مرز و حریم آن کشور حمله کرده باشند، نه اینکه چند کشور را زیر پا بگذاریم و در اقصی نقاط آن کشورها دنبال دشمن بگردیم که نکند فلان گروه مسلح به کشور ما حمله کند».

اسلام و مسلمانی مرز ندارد

انتقاد یاد شده در ظاهر دلسوزانه و بیانگر حساسیت دینی انتقاد کننده است؛ ولی با اندکی مطالعه در متون اسلامی و کاوش درست در اوضاع موجود، ناتمام بودن آن روشن شده و در می‌ابیم که سخنی نادرست، بی‌پایه و بر خلاف اسلام و مصالح جامعه اسلامی است و در واقع مورد انتقاد، از محسنات نظام جمهوری اسلامی ایران شمرده می‌شود، و ذیلاً در ادامه پاسخ‌هایی به آن تقدیم می‌گردد:

مرز اسلام، عقیده است

پاسخ اول: مانند این انتقاد کننده گویا معنای اسلام و کشور اسلامی را نمی‌داند و چنین می‌اندیشد که مقصود پیشوایان اسلام، کشورها با مرزهای جدید و با قواعد بین‌المللی زمان ما است، در حالی که مقصود واقعی، سرزمین مسلمانان است، اگرچه با قواعد بین‌المللی زمان ما دارای مرزهایی مستقل و جدا از کشور ما و با حکومت مستقل باشد، چنان‌که پیامبر گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود:

«مَنْ أَصْبَحَ وَ لَا يَهْتَمُّ بِأَمْرِ الْمُسْلِمِينَ، فَلَيْسَ مِنَ الْإِسْلَامِ، وَ مَنْ شَهِدَ رَجُلًا ينادي: "يا لِّلْمُسْلِمِينَ" فَلَمْ يُجِبْهُ فَلَيْسَ مِنَ الْمُسْلِمِينَ». (قطب راوندی، صادقی اردستانی، النوادر/۷۷).

یعنی: «هرکس روز کند و به امور مسلمانان اهمیت ندهد از اسلام بهره ندارد و کسی که بشنود مردی می‌گوید "ای مسلمانان به دادم برسید" و به دعوت او پاسخ ندهد مسلمان نیست».

در این روایت شریف، مرز اسلام، عقیده و ایین مسلمانی معرفی شده است، نه مرزهای جغرافیایی که با قواعد بین‌المللی زمان کنونی مطابقت دارد؛ البته معنای این حدیث دخالت بیجا و خودسرانه در امور مسلمانان دیگر کشورهای کنونی نیست، بلکه مقصود کمک و یاری رساندن به مسلمانان به میزان توانایی است و در این زمان کمک و یاری رساندن فیزیکی به دیگر کشورهای اسلامی باید با رعایت قواعد بین‌المللی و تنها با درخواست آن کشورها همراه باشد، در جز این صورت باید تنها به حمایت از مسلمانان ستم‌دیده با زبان و تبلیغ بسنده شود، به گونه‌ای که قواعد بین‌المللی مورد توافق نقض نگردد، زیرا کشورهای اسلامی از جمله جمهوری اسلامی ایران با عضویت خود در سازمان ملل متحد عهدنامه عدم دخالت در امور کشورهای دیگر را امضا کردند و باید به آن وفادار بمانند، چنانکه خدای متعال وفا به عهد و پیمان را از اوصاف نیک‌مردان بر شمرده و فرمود:

(وَ لَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَ... وَ الْمُؤْمِنُونَ بَعَثْتَهُمْ إِذَا عَاهَدُوا...) (البقره / ۱۷۷).

یعنی: «... لیکن نیکوکاری آن است که کسی به خدای جهان و... ایمان آورده... و نیز نیکوکار آناند که با هر که عهد بسته‌اند به آن وفادار باشند و...».

لزوم حراست از اماکن مقدّس

پاسخ دوم: در دو کشوری که جمهوری اسلامی برای مبارزه با تروریست‌ها و با دعوت دولت آن دو کشور حضور پیدا کرده بود اماکن مذهبی و مقدس شیعیان، مانند حرم‌های شش امام معصوم علیهم‌السلام در عراق و حرم حضرت زینب علیهاالسلام و مرقد سرهای شهیدان کربلا در سوریه قرار دارد که مردم مسلمان ایران برای آن‌ها احترام و تقدس فراوان قائل هستند و به صاحبان آن قبور پاک عشق می‌ورزند، و هرگز حاضر نیستند به وسیله تروریست‌های وهابی سَلَفی ویران گردد، برای اثبات این ادعا اگر نظرسنجی برای شما ممکن نیست منتظر ماه محرم و روز عاشورا باشید تا با چشمان خود ببینید و دریابید نه تنها شیعیان ایران، بلکه شیعیان دیگر کشورها نیز هرگز به تخریب این بارگاه‌های مقدس رضایت نمی‌دهند و در این راه از جان و مال و هستی خود با تمام وجود مایه می‌گذارند، چنان که خدای متعال جنگیدن برای دفاع از اماکن مقدس را مورد تشویق قرار داده و فرمود:

(... وَ لَوْ لَا دَفَعُ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهْدِمَتْ صَوَامِعُ وَ بِيَعٌ وَ صَلَوَاتٌ وَ مَسَاجِدٌ يُذْكَرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا وَ لَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ) (الحج: ۴۰).

یعنی: «... و اگر خدا (رخصت جنگ ندهد و) دفع شر بعضی از مردم را به بعض دیگر نکند همانا صومعه‌ها و دیرها و کنش‌ها و مساجدی که در آن (نماز و) ذکر خدا بسیار می‌شود همه خراب و ویران گردد. و هر که خدا را یاری کند البته خدا او را یاری خواهد کرد، که خدا را منتهای اقتدار و توانایی است».

خاطره ناگوار ویرانی قبرستان بقیع

برای شیعیان هنوز خاطره ویرانی قبر چهار امام معصوم علیهم‌السلام در قبرستان بقیع درناک، غمبار، جگر خراش و ناگوار است، چه رسد به اینکه بخواهند بار دیگر ویرانی بارگاه مقدس امام معصومی دیگر را شاهد باشند.

آری بزرگان ما در صد سال پیش یک اشتباه بزرگ مرتکب شدند و مردم ایران، بلکه مسلمانان جهان هنوز تاوان آن اشتباه را پس می‌دهند، و آن این بود که برای رهایی قبرستان بقیع در برابر تجاوز آل سعود تازه تاسیس شده و وهابیت انگلیسی تازه به دوران رسیده بی‌تفاوت بوده و در برابر آنان نایستاده و با آنان مبارزه نکردند و برخی به وعده‌های دروغین رضا خان میر پنج فریب خورده و گرداگرد او را گرفته و او را ناجی بقیع و حرم چهار امام معصوم علیهم‌السلام پنداشتند، غافل از اینکه او تنها می‌خواست از احساسات مذهبی مردم و روحانیت زمان خود استفاده کرده و حکومت و پادشاهی را در دست بگیرد و پس از به حکومت رسیدن کوچک‌ترین گامی برای تحقق وعده خود بر نداشت و احیای بقیع به فراموشی سپرده شد؛ ولی شیعیان این زمان دیگر نمی‌گذارند مانند آن حادثه تلخ در سرزمینی دیگر رخ نماید.

مقتضای وطن دوستی

پاسخ سوم: بر فرض کسانی قاعده اسلامی «لزوم یاری رساندن به مسلمانان ستم‌دیده» و علاقه‌های مذهبی مردم به اماکن مقدس را نپذیرند و یا به آن اهمیت ندهند، و اصرار داشته باشند تنها پایبند قواعد بین‌المللی باشند؛ ولی در این صورت نیز ما وظیفه داشته و داریم که دعوت برخی از کشورهای همسایه برای مبارزه با تروریست‌ها و متجاوزان را بپذیریم، زیرا یکی از اهداف تروریست‌های داعشی سرزمین ایران بود، چنانکه صریحا اعلام کرده بودند که به مشهد می‌روند و حرم امام رضا علیه‌السلام را ویران می‌کنند، و عملا نیز به مرزهای ایران نزدیک شده و چندی پیش به مجلس شورای اسلامی و حرم امام خمینی (رضوان‌الله‌تعالی‌علیه) یورش برده بودند و در تاریخ ۳۰ شهریور ۱۳۹۷ در اهواز جنایت آفریده و تعدادی از نظامیان بی‌سلاح و مردم عادی را شهید و زخمی کردند و نیز در عراق و سوریه هیچ ترحمی نسبت به شیعه نداشتند، مردانشان را کشته و زانانشان را به اسارت می‌بردند!

لابد منتقدان در این باره می‌گویند: لازم بود تروریست‌ها به مرزهای ایران برسند و اگر دیدیم با ما جنگ را آغاز کردند با آنان می‌جنگیم!!!

صاحبان این نظریه را اگر به خیانت در ارایه نظر متهم نکنیم، می‌توانیم بگوییم: آنان بسیار ساده اندیش، خام و نا آگاه از قواعد نظامی و سیاسی هستند و الف بای سیاست درست نظامی را نمی‌دانند.

ذلت آور بودن جنگ داخلی

پاسخ درست به این دسته از روشنفکر نمایان متظاهر به وطن دوستی را از علی علیه السلام می‌خوانیم که مردم کوفه را - به سبب سستی در نبرد علیه معاویه و حکومت شام - مورد سرزنش قرار داده و فرمود:

«... أَلَا وَ إِنِّي قَدْ دَعَوْتُكُمْ إِلَى قِتَالِ هَؤُلَاءِ الْقَوْمِ لَيْلًا وَ نَهَارًا وَ سِرًّا وَ إِعْلَانًا وَ قُلْتُ لَكُمْ اغزُوهُمْ قَبْلَ أَنْ يَغزُوَكُمْ فَوَ اللّهِ مَا غزَى قَوْمٌ قَطُّ فِي عَقْرِ دَارِهِمْ إِلَّا ذَلُّوا فَتَوَاكَلْتُمْ وَ تَخَادَلْتُمْ حَتَّى شُنْتُ عَلَيْكُمْ الْغَارَاتِ وَ مَلَكَتْ عَلَيْكُمْ الْأَوْطَانِ...» [نهج البلاغه، خطبه ۲۷].

یعنی «... آگاه باشید که من شب و روز، پنهان و آشکار، شما را برای جنگیدن با این مردم [معاویه و پیروانش] فرا خواندم، و به شما گفتم: پیش از اینکه آنان با شما نبرد کنند، شما با آنان نبرد کنید، به خدا سوگند که هیچ مردمی در میانه خانه خود مورد هجوم قرار نگرفت و جنگ نکرد جز این که ذلیل و خوار شد، پس [نبرد با دشمن را] به هم‌دیگر واگذار کردید و خواری را در پیش گرفتید تا آنجا که دشمن یورش پی در پی خود را آغاز کرد و سرزمین‌های شما را در اختیار گرفت...».

بر این اساس جنگیدن با دشمن در مرزها و یا داخل کشور ذلت و خواری و نا امنی را در پی دارد، از این رو باید متجاوز را در بیرون مرزها امان ندهیم تا فکر تجاوز به آب و خاک ما را از مخیله خود بیرون کند، این منطق درست نظامی و مرام علوی است.

ارتقای امنیت، ره آورد مدافعان حرم

در این میان، نیروهای معروف به «مدافعان حرم» گوششان به ندای امیر المؤمنین علی علیه السلام و سخنان حکیمانه او - برای لزوم مبارزه با دشمن در بیرون شهرها و گرفتن فرصت از آنان برای جنگیدن در درون شهرها - بود، نه به دهان‌ها و قلم‌های فریب خوردگان روشن فکر نمای متظاهر به وطن دوستی و بیگانه از اندیشه درست علوی و اگر امروز داعش به ضعف گراییده و در کشور جمهوری اسلامی ایران نتوانست پایگاه و نفوذی داشته باشد و با همه مشکلات اقتصادی مردم، کشور ما از امنیت بالایی برخوردار است، اینها همه حاصل نبرد مدافعان حرم‌های اهل بیت علیهم‌السلام و مبارزات نظامیان و شبه نظامیان عراقی و سوری و حزب الله لبنان و جوانان جان بر کف ایرانی، افغانی و پاکستانی در برابر تروریست‌های ساخته شده به دست آمریکایی‌ها، صهیونیست‌ها و وهابی‌های عربستان بوده و از ره آوردهای شهیدان این راه مقدس است که با تقدیم جان خود به معشوق، شرّ تروریست‌ها را از کشور جمهوری اسلامی ایران بر طرف کرده و درخت نوپای انقلاب اسلامی را با خون خود آبیاری نموده و امنیت استوار را به ثمر نشانده‌اند، و گرنه اگر آن گروه دژخیم بی‌رحم خوارج مسلک پایشان به کشور و مردم ایران می‌رسید نه تنها برای شیعیان ایران، بلکه برای اهل سنت آن نیر امنیتی وجود نداشت، چه رسد به پیروان دیگر ادیان، چنان که حکومت دو ساله آنان بر شهر موصل عراق و دیگر شهرهایی که در اختیار آنان قرار گرفته بود، گواهی صادق بر این ادعا است، مردم آن شهرها همه از اهل سنت بودند و نتوانستند از شهر فرار کنند؛ ولی باید به آن شهرها رفته و از نزدیک با چشم خود ببینیم و از مردم آن شهرها

بپرسیم که در مدت کوتاه حکومت دو ساله با آنان چه کردند!!! با زنانشان، با جوانانشان، با اموال و سرمایه هایشان!!!

چه زیبا فرمود خدای مهربان و کریم:

(يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَ اللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ) (الصف: ۸).

یعنی: «کافران می خواهند تا نور خدا را به گفتار باطل (و طعن و مسخره) خاموش کنند و البته خدا نور خود را هر چند کافران خوش ندارند کامل و محفوظ خواهد داشت».

ارزش ویژه روحانیون شهید حرم

در اسلام مقام شهید، والا و ارجمند بوده و نزد خدای متعال از جایگاه ویژه برخوردار است، چنان که خدای متعال فرمود: (وَ لَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتاً بَلْ أحياءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ * فَرحينَ بما آتاهمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَ يَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ) (آل عمران: ۱۶۹ - ۱۷۰).

یعنی: «هرگز نپندارید که شهیدان راه خدا مرده اند، بلکه زنده اند (به حیات ابدی و) در نزد خدا متنعم خواهند بود * آنان به فضل و رحمتی که خدا نصیبشان گردانیده شادمانند و دل شادند به حال آن مؤمنان که هنوز به آنان نپیوسته اند و بعداً در پی آنان به سرای آخرت خواهند شتافت که بیمی بر آنان نیست و غمی نخواهند داشت».

چنان که در باره فضیلت جهاد در راه خدا فرمود:

(لَا يَسْتَوِي الْقَاعِدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرُ أُولِي الضَّرَرِ وَ الْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَ أَنْفُسِهِمْ فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَ أَنْفُسِهِمْ عَلَى الْقَاعِدِينَ دَرَجَةً وَ كَلَّا وَعَدَ اللَّهُ الْحُسْنَى وَ فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا) (النساء / ۹۵).

یعنی: «هرگز مؤمنانی که بدون عذر از جهاد بازنشستند با آنان که به مال و جان در راه خدا جهاد کنند یکسان نخواهند بود، خدا مجاهدان (فداکار) به مال و جان را بر بازنشستگان (از جهاد) بلندی و برتری بخشیده و همه (اهل ایمان) را وعده پاداش نیکو فرموده، و خداوند مجاهدان را بر بازنشستگان به اجر و ثوابی بزرگ برتری داده است».

آری مجاهد و پیکارگر در راه خدا آن گاه که یه خون خود غلتیده و به مقام شهادت نایل آید از زندگانی ویژه برزخی نزد خدا برخوردار است، افزون بر این که در روز رستاخیز فضیلت و پاداش ویژه خود را دارد.

آنچه تا کنون گفته شد فضیلت عموم شهیدان بوده است؛ ولی شهید روحانی که در دنیا از عالمان دین و مروج کلام خداوند و احادیث اهل بیت عصمت و طهارت بوده و در یک دست او قرآن و در دست دیگر سلاح جنگ در برابر کافران گرفته بود از دو امتیاز علم و جهاد برخوردار است، چنان که خداوند در باره برابر نبودن جایگاه و مقام عالم و غیر عالم به صورت استفهام انکاری فرمود:

(...قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُوا الْأَلْبَابِ) (الزمر / ۹).

یعنی: «... بگو: آیا آنان که اهل علم و دانشند با مردم جاهل نادان یکسانند؟ تنها خردمندان متذکر این مطلباند».

امام صادق علیه السلام نیز در باره فضیلت علم و عالم فرمود:

«إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ جَمَعَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ النَّاسَ فِي صَعِيدٍ وَاحِدٍ وَوَضَعَتِ الْمَوَازِينُ فُتُوزْنَ دِمَاءُ الشَّهْدَاءِ مَعَ مِدَادِ الْعُلَمَاءِ فَيَرْجَحُ مِدَادُ الْعُلَمَاءِ عَلَى دِمَاءِ الشَّهْدَاءِ» (صدوق / الأملی، دوم / کتابچی / تهران / ۱۳۷۶ ش: ۱۶۸).

یعنی: «آن گاه که روز رستاخیز برپا گردد خداوند مردم را گرد میآورد، ترازوهای اعمال قرار داده می شود، خون شهیدان با مداد عالمان دین سنجیده می شود، و مداد عالمان بر خون شهیدان برتری پیدا می کند».

نقش روحانیون مدافع حرم در تحکیم و ارتقاء امنیت

اگر می بینیم گروهی از جوانان برای دفاع از اماکن مقدس در دو کشور عراق و سوریه در برابر تروریست های تکفیری ایستادگی کردند و تعداد فراوانی از آنان به شهادت رسیده و برخی مجروح و به مقام جانبازی راه یافته اند، اثر پذیری از فتوای مراجع معظم تقلید و حضور روحانیون در پیشاپیش رزمندگان بوده است، آری جوانان ما به چشم خود می دیدند که روحانیت متعهد شیعه در خطوط مقدم نبرد با تروریست های وهابی داعشی قرار گرفته و نه تنها با بیان و پند و موعظه، بلکه در زمان لازم سلاح در دست گرفته و در پشت خاکریزها و در درون سنگرها در کنار رزمندگان تفنگ های خود را به سوی دشمن گرفته و آنان را به رگبار می بستند، و هنگام نماز با لباس رزم به نماز جماعت ایستاده و به راز و نیاز با خدای بزرگ می پرداختند، تا آنجا که با خون خود میدان کار زار را رنگین کرده و سنگر دفاع و پیکار در برابر دشمن را با خون خود لاله گون کردند.

روحانیون شهید مدافع حرم نشان دادند که پیروانی صادق برای پیامبران الهی هستند که خدای متعال در وصف آنان فرمود: (الَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَيَخْشَوْنَهُ وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ وَكَفَى بِاللَّهِ حَسِيبًا) (الأحزاب: ۳۹).

یعنی: «این سنت خداست در حق آنان که تبلیغ رسالت خدا کنند و از خدا می ترسند و از هیچ کس جز خدا نمی ترسند و خدا برای حساب به تنهایی کفایت می کند».

و فرمود: (وَكَأَيِّنْ مِنْ نَبِيِّ قَاتَلَ مَعَهُ رَبِّيُونَ كَثِيرًا فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكَانُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ) (آل عمران / ۱۴۶).

یعنی: «چه بسیار رخ داده که پیغمبری جمعیت بسیار (از پیروانش) همراه او جنگیدند و با این حال، اهل ایمان با سختی هایی که در راه خدا به آنان رسید هرگز بیمناک و زبون نشدند و سر زیر بار دشمن فرود نیاوردند و (صبر و ثبات پیش گرفتند، که) خدا صابران را دوست می دارد».

آری، شهیدان روحانی حرم که از همسر، فرزند، پدر، مادر و همه هستی خود دست شسته و برای تبلیغ آرمان‌های اصیل اسلام و گسترش معارف قرآن کریم و دفاع از اسلام و مسلمانان و حرم اهل بیت علیهم السلام به بیرون از شهرها و فراسوی مرزهای کشور خود رهسپار شدند، کسانی بودند که در تبلیغ راه خدا خوف از خدا داشته و به عشق دیدار و لقای معشوق از هیچ کس جز از او نهراسیدند؛ به خون خود غلتیدند، در برابر دشمنان اسلام سر فرود نیاوردند، سر و جان دادند تا راه و رسم جانان ماندگار گردد.

بر این بنیان، روحانیون شهید مدافع حرم ره آوردهای متعدد داشته‌اند:

۱. تشویق جوانان برای دفاع از سرزمین‌های اسلامی و مسلمانان مظلوم گرفتار شده به دست تروریست‌های مدعی احیای اسلام و شریعت، و سرانجام آن شکست دشمنان و آزادی مسلمانان گرفتار در بند دشمن و نیز رهایی سرزمین آنان از دست متجاوزان بود، چنان‌که خدای عزیز فرمود:

(يا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَرِّضِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عَشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ يَغْلِبُوا أَلْفًا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ) (الأنفال: ۶۵).

یعنی: «ای پیامبر، مؤمنان را بر جنگ ترغیب کن که اگر بیست تن از شما صبور و پایدار باشند بر دویست تن چیره خواهند شد و اگر صد تن بودند بر هزار تن از کافران غلبه خواهند کرد، زیرا آنان [کافران] گروهی بی‌دانشند».

۲. در امان ماندن حرم‌های مقدس امامان معصوم و دیگر مرقد‌های مطهر اهل بیت علیهم‌السلام و السلام در عراق و سوریه، که خدای مهربان فرمود:

(...وَلَوْ لَا دَفَعُ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهْدِمَتْ صَوَامِعُ وَبِيَعٌ وَصَلَوَاتٌ وَمَسَاجِدُ يُذْكَرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا وَلَيُنْصِرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ) (الحج: ۴۰).

یعنی... «و اگر خدا (رخصت جنگ ندهد و) دفع شر بعضی از مردم را به بعضی دیگر نکند همانا صومعه‌ها و دیرها و کنش‌ها و مساجدی که در آن (نماز و) ذکر خدا بسیار می‌شود همه خراب و ویران شود. و هر که خدا را یاری کند البته خدا او را یاری خواهد کرد، که خدا را منت‌های اقتدار و توانایی است».

۳. ریشه کن شدن تروریست‌ها از سرزمین‌های اسلامی، که در کلام خدای حکیم آمده است:

(وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ...) (البقره/۱۹۳).

یعنی: «و با کافران جنگ کنید تا فتنه و فساد از روی زمین ریشه کن شده و تنها دین خدا حاکم گردد...».

۴. در امان ماندن کشور جمهوری اسلامی ایران از تجاوز دشمنان که از اهداف مهم آنان به شمار می‌آمد، چون امنیت، یکی از امور مورد احتیاج همه مردم است، چنان‌که پیامبر گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود:

«الْأَمْنُ وَالْعَافِيَةُ نِعْمَتَانِ مَغْبُورٌ فِيهِمَا كَثِيرٌ مِنَ النَّاسِ» (مناوی، فیض القدير، چاپ دوم، ۱۳۹۱ق: ۳: ۱۸۳، حدیث ۳۸۰۱).

یعنی: «امنیت و عافیت دو نعمتند که بسیاری از مردم از آن محروم هستند».

امام صادق علیه السلام نیز فرمود:

«ثَلَاثَةٌ يَحْتَاجُ النَّاسُ طَرَأَ إِلَيْهَا: الْأَمْنُ وَالْعَدْلُ وَالْخَصْفُ» (مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار / ۷۵ / ۴۴ / ۲۳۴).

یعنی: «سه چیز است که همه مردم به آن نیازمند هستند: امنیت، عدالت و فراوانی».

و خدای متعال از زبان حضرت ابراهیم علیه السلام امنیت واقعی را این گونه بیان فرمود: (الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ مُهْتَدُونَ) (الانعام: ۸۲).

یعنی: «آنان که ایمان آورده و ایمان خود را به ستمی نیالودند آنان حقیقتاً از امنیت برخوردار هستند و هم آنان حقیقتاً هدایت یافته‌اند».

در تفسیر آیه شریفه آمده است: آنان که خدا را شناخته، او و آنچه را او واجب نموده را تصدیق کرده و ایمان خود را با ستم آلوده ننمایند. (طبرسی، مجمع البیان / ۴ / ۵۰۶).

پیش از این اشاره شد که از اهداف مهم حامیان تروریست‌ها تضعیف جمهوری اسلامی ایران و بازداشتن مسلمانان کشورهای دیگر از گرایش به اندیشه انقلابی شیعه و اسلام ناب بود. آنان برای این هدف ارزشمند جمهوری اسلامی را نشانه قرار داده و در صدد ایجاد نا امنی در مرزها و سپس در درون شهرهای آن به ویژه در شهرهای بزرگ مذهبی همانند مشهد، قم و تهران - پایتخت کشور - بوده‌اند. تروریست‌ها این هدف خود را با صراحت اعلام کرده و گفته بودند می‌خواهند مرقد مطهر امام علی بن موسی الرضا علیه السلام و دیگر مرقد‌های اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله را - همانند قبرستان بقیع تحریب نموده و با خاک یکسان کنند؛ ولی خوشبختانه با یاری و لطف خدای متعال و رهبری داهیانیه مقام معظم رهبری حضرت ایت الله خامنه‌ای (مدظله العالی) و حمایت مراجع بزرگوار تقلید در عراق و ایران و با تلاش رزمندگان مدافع حرم و روحانیون پیشتاز آنان و با تقدیم شهیدان عزیز در این پیکار مقدس، دشمنان ما به اهداف شوم خود نرسیدند و نتوانستند امنیت مردم کشور جمهوری اسلامی ایران را خدشه دار نمایند و اکنون این کشور عزیز از امن‌ترین کشورهای جهان به شمار میرود.

۵. بازگرداندن معنویت و ایثار و از خود گذشتگی در راه خدا به میان جوانان و گسترش معارف صحیح و تعالی بخش قرآن و اسلام در میان مردم مسلمان، چنان‌که خداوند در وصف پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله و رسالت معنوی او فرمود:

(لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ) (آل عمران / ۱۶۴).

یعنی «خدا بر اهل ایمان منت گذاشت که پیامبری از خودشان در میان آنان برانگیخت که بر آنان آیات او را تلاوت می‌کند و آنان را پاک می‌گرداند و به آنان علم کتاب (احکام شریعت) و حقایق حکمت می‌آموزد و همانا پیش از آن در گمراهی آشکار بودند».

۶. نا امید شدن و شکست دشمنان انقلاب و اسلام و از بین رفتن توطئه‌های اختلاف افکنانه مذهبی و قومی آنان در کشورهای همسایه و جمهوری اسلامی ایران از آثار مبارزه مدافعان حرم و

خون‌های پاک ریخته شده شهیدان آنان است، یعنی با کار آنان هدف خدای متعال تامین شده است، آن هدفی که در کلام خدای حکیم آمده است:
 (وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَ اٰخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَاُولٰٓئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ...) (آل عمران: ۱۰۵).

یعنی: «و شما مسلمانان مانند ملت‌هایی نباشید که پس از آنکه آیات روشن برای (هدایت) آنان آمد راه تفرقه و اختلاف پیمودند، که البته برای آنان عذاب بزرگ خواهد بود».

نتیجه‌گیری

در آیین اسلام اصالت با صلح بوده و جنگ به عنوان استثنا و به موارد اضطرار اختصاص دارد. انقلاب اسلامی ایران تحول و دگرگونی افکار جهانی به ویژه مسلمانان دیگر کشورها و دیگر مذاهب اسلامی را در پی داشته است.

استکبار جهانی، صهیونیست‌ها و رژیم‌های وابسته و مرتجع دیگر کشورهای اسلامی برای بازداشتن کشور خود از ظهور انقلابی همانند انقلاب اسلامی ایران از همان آغاز، توطئه‌های مختلف را در پیش گرفتند که جنگ تحمیلی هشت ساله نمونه‌ای از آن بود.

با شکست متجاوزان و جنگ افروزان در جنگ هشت ساله و پیروز شدن جمهوری اسلامی ایران و سرافرازی مردم آن، دشمنان طرح‌های دیگر را برای ضربه زدن به نظام جمهوری اسلامی ایران در پیش گرفتند که آخرین توطئه آنان تشکیل گروهک‌هایی به ظاهر اسلامی مانند داعش بود، نقش این گروه ایجاد اختلافات مذهبی، دینی و قومی در کشورهای اسلامی به ویژه در سوریه و عراق و وارونه نشان دادن اسلام رحمانی و معرفی آن به عنوان یک دین خشن، زشت و منفور بود. تروریست‌های داعش و جبهه‌النصره به جنایات فراوانی دست زدند و میلیون‌ها مردم این دو کشور را آواره دیگر کشورها کردند.

مراجع تقلید شیعه به لزوم جهاد و مبارزه در برابر تروریست‌ها فتوا دادند و جمهوری اسلامی ایران با دعوت دو کشور یاد شده، کارشناسان نظامی به آن دو کشور اعزام کرد و آنان با ارایه نقشه‌های نظامی ماهرانه و کمک به ارتش و نیروهای داوطلب مردمی سوریه و عراق پرداختند، چنانکه جوانان فداکار شیعه ایران، از جمله روحانیون متعهد و مخلص نیز داوطلبانه به میدان‌های نبرد علیه دشمنان تروریست و کمک به رزمندگان دو کشور یاد شده شتافتند و پس از سال‌ها نبرد و دادن شهیدان فراوان توانستند گروه‌های تروریستی را به عقب رانده و به شکست بکشانند.

در این نبرد - همانند دفاع مقدس هشت ساله در برابر رژیم بعث عراق - علما و روحانیون نقش به‌سزایی در پیروزی جمهوری اسلامی ایران داشته‌اند، آنان در پیشاپیش رزمندگان اسلام هم به تبلیغ و ارشاد آنان می‌پرداختند و هم دسته‌ای از آنان در میدان نبرد با دست گرفتن اسلحه با دشمن می‌جنگیدند.

روحانیون شیعه در دفاع از حرم اهل بیت علیهم‌السلام در برابر گروه‌های تروریستی، همراه با رزمندگان اسلام، شهیدان فراوانی را تقدیم کرده و با تقدیم جان به جانان و ریختن خون گرم خود در سنگرهای دفاع و مبارزه، درخت اسلام و قران را آبیاری کردند، در خون خود غلتیدند و به

لقاء الله پیوستند و بدین وسیله با یاری خداوند، دو کشور عراق و سوریه را از شر تروریست‌های داعشی رهایی بخشیده و امنیت را به این دو کشور اسلامی بازگرداندند، چنان‌که توانستند امنیت کشور جمهوری اسلامی ایران را تحکیم و ارتقا بخشیده و فکر تجاوز و نا امنی به اب و خاک ایران اسلامی را از خیال دشمنان بزایند..